

# نقش قرآن در ابداع آثار هنری



دم نایی است که بیننده و داناست  
خدایا و اینگونه است که در هر  
عنصر انسانها به فراخور زمان و  
موقعیت و متناسب با نوع تغییرات  
به وجود آمده در میان سبکها  
و پیدایشهای نوین، اندیشههای  
متفاوت، دیدگاههای مختلف،  
سلاقی گوناگون، شکلها و  
نمادها، فرمهای خاص را می طلبد  
و انسانهای جویای کمال دائما  
به دنبال نوگرایی و حرکت و  
نقش جدیدند و هنرمندان سعی  
می کنند تا با اشتیاق طرحی نو و  
حرکتی بدیع و متفاوت از گذشته  
آثاری از خود به یادگار گذارند و  
شیوهای جدید را ابداع کنند.

بیاتاکل برافشانیم می درساگراندازیم  
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو  
دراندازیم  
خلاقان عرصه خوشنویسی ذوق و  
سلیقه و تخیل و فکر و ذهن و  
عشق و ایمان و هنر خود را به  
کار می گیرند تا آثاری متفاوت تر  
و شاخص تر از پیشینیان به جامعه  
ارائه کنند و ظرفیت های بصری را  
بالا ببرند.

به خلاف آمدها بطلب کام که  
من  
کسب جمعیت از این زلف پریشان  
کردم  
و در این راستا تمام تلاش و همت  
خوشنویس بر این بوده و هست که  
در این ابداعی که به انجام رسانیده  
فن، دست، دل و ذهن خود را  
پیوسته، مشخصا و منحصرا در  
خدمت کلام وحی قرار دهد و  
جاودانه ترین آثار و زیباترین  
تابلوها با آیات قرآن کریم مزین  
شوند.

هر که جانسخه کنند آن خطر یحانی  
را

زیبایی شناسانه به خط که همان  
خوشنویسی است منسوب شد و  
این انتساب مبارک و همایون تنها  
کرسی هنر قدسی را به خوشنویسی  
داد و نهضت خوشنویسی اسلامی  
به پایه پیام الهی و مایه و راز  
وحی ایجاد گردید. دهها حدیث  
از حضرت نبی اکرم (ص) و  
حضرت علی (ع) و سلاله پاکش  
که همه کم و بیش در نهانخانه  
جانمان نقش بسته، نشان و نشانه ای  
این بزرگداشت تفخیم خط،  
خاصه خط خوش است و افزودن  
به این اشتها پیشوای نخستین و  
دودمان ولایت به کتابت وحی  
به دست مبارکشان خود حجتی  
آشکار است از اهمیت شگرفی  
که به این مهم داده اند و قرآن  
به امر الهی به ترتیبی که در میان  
مسلمانان تا امروز رایج است در  
۱۱۴ سوره شکل یافت و خطوط  
متفرق شبه جزیره چون مسند،  
نبطی و سریانی به الگوی واحد  
از کوفی بدل شد. حوزه ی وسیع  
هنر از معماری گرفته تا ظروف و  
قلمدان و ابزار آلات و ... در طی  
قرون اقلام نه گانه ای شامل نسخ،  
ثلث، محقق، ریحان، رقاع، توقیع،  
تعلیق، نستعلیق و شکسته و بسیار  
اقلام تفننی دیگر بر ساخته از انواع  
کوفی و نه قلم یاد شده ایجاد کرد.  
خوشنویسی که منزل آخر هنر  
خود را قرآن نگاری می داند و نی  
را به عنوان زبان دست به زیر سیطه  
خود در می آورد می بایست خود  
نیز نی ای باشد در دست کاتب  
اصلی ازلی، چونان درون عاری  
از هر عقد و عقده و بیرون صاف  
و صیقلی، مطیع محض و تسلیم  
دست کاتب که فرمود:  
نی نالیده چه داند که ره پرده چه باشد

نقش از پیشگامان لزوما به ابداع  
و خلاقیت نمی انجامد و بدون  
پرورش روح و زیستن مداوم در  
ساحت معنا، معنویت در شخص  
هنرمند شکل نمی گیرد. در مکتب  
قدسی انبیا خداوند مرکز عالم  
است و اراده الهی نافذ و پیوسته در  
جهان است و دریافت ما از اسما  
و صفات و کلام الهی مداومت  
در ذکر و جاری ساختنش در  
زندگی که دغدغه و سودای  
هر مومن موحدی است، پیام  
و معنا را در جان ما ریشه دار کرد.  
دست و زبان و ذهن برای خویش  
رسالتی فرض نمودند تا پیام گزار  
وحی باشند و پروانه این شعله  
فروزان تا آیات کلام وحی را  
(والقلم و ما یسطرون) و (الذی  
علم بالقلم) و حدیث نبوی (الخط  
الحسن یزید الحق و ضحا: خط  
خوش حق را آشکارتر می سازد)  
را بر صفحه ی هستی بنگارند. تا  
پیش از این هر چه تکریم خط  
بود بی هیچ صفتی اما این حدیث  
رسول اکرم (ص) توجه انسان را  
به وجه دیگری جلب کرد. وجه  
حسن، صورت خوش خط، که  
ما آن را در هزاره ی پشت سر به  
خوشنویسی ترجمه کرده ایم. خط  
تنها ابزاری بود که بی واسطه کلام  
خدا را در بر می گرفت و کلام  
الهی همان بود که خود فرمود:  
(لوانزلنا هذا القرآن علی جبل  
لرایته خاشعا متصدعا من خشیه  
الله: اگر این قرآن را بر کوهی نازل  
می کردیم می دیدی که آن کوه  
از ترس خدای عزوجل متاثر و  
متلاشی می شود) این نسبت متعالی  
خط را خلعت قدسیت داده بود و  
همین قدسیت و اهمیت به شعبه  
هنری خط یا به عبارت دیگر نگاه

اشتیاق و شوق بی پایان برای  
رسیدن به هدف و هنرمناگرا به  
همراه عشق ورزیدن، روح و دل  
را ارضا می نماید و حیاتی دوباره  
به انسان می بخشد. ابداع فکر و  
اندیشه ی خاص هنری جدید در  
فعالیت های خلاقانه نهفته است  
و یک اثر هنری الهی وقتی خلق  
می شود که در پیوند سه جانبه ی  
عشق و ایمان و فکر رقم بخورد.



## هنر معناگرا

آری، هراتری که با تبیین  
حضور الهی، مخاطب را به تفکر و  
تعالی سوق دهد، معناگرا محسوب  
می شود. هر آفریده ی هنری غایب  
خاصی را عیان می سازد و در  
تمام آثار هنری صورتی (مبتنی  
بر امتزاج مهارت با خلاقیت) و  
سیرتی (ملهم از امتزاج معرفت  
عقلی و شهود قلبی) وجود دارد و  
البته محتوای آثار نیز از جریان های  
اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ...  
تاثیر می پذیرند. با این وجود برای  
هنرمند معناگرا تمام این دست  
مایه ها و نیروها عاملی جهت عبور  
از ظاهر به باطن و یافتن مفهوم  
مستور پدیده ها تلقی می شوند  
به واسطه این ضرورت (اتصال  
با حقیقت) است که هنر دینی،  
معناگرایی را هدف قرار داده و  
بیش از هر مکتب دیگری از نشانه،  
نماد، تشبیه، استعاره و کنایه سود  
می برد. در هنرهای سنتی اصرار به  
محدود ماندن در تجارب حاصل  
شده نیست زیرا وام گرفتن فرم و

آشکارا به تنوع در حوزه ی  
صورتها روی می آورد. دین به  
منظور استمرار حیات و پیام خود  
با دیگر عناصر فرهنگی مانند علم،  
هنر، حکمت و اسطوره در تعامل  
قرار دارد. اسلام نیز این رویکرد  
را دنبال نموده و از این راه توانسته  
است باورها و دستاوردهای خود  
را در همه ی ابعاد فرهنگی نشان  
دهد. صورت های هنری به معنای  
امکان تحقق یافتن شکل هایی  
است که هنر می تواند در آنها نمود  
داشته باشد این امکان را نیازهای  
معنوی و مادی هنرمند، یا ابعاد  
ویژگی های هنر تعیین می کند.  
صورت هنری در عالم تخیل  
هنرمند تحقق می یابد. هنرمند با در  
نظر گرفتن رابطه ی معنی مورد نظر  
با این صورت به آفرینش آن دست  
می زند و می کوشد آن را از جهان  
ذهن به جهان خارج هدایت کند.  
در این فلسفه ابو حیان توحیدی از  
حکمای اسلامی قرن پنجم، ابداع  
و ذوق هنری محصول یگانگی  
نفس با خلاقیت و تجلی آن در  
یک اثر هنری است. در این حالت  
طبیعت صورت های نیک و تام را  
از نفس دریافت می کند.



## ابداع اثر هنری

برای ابداع هر اثر هنری معناگرا  
معمولا باید چند مرحله را پیمود:  
اول: احاطه به جنبه های نظری،  
دوم: احاطه به ساختار عملی آن،  
سوم: ارائه خلاقانه ذهن و فکر به  
صفحه هستی.  
چهارم: داشتن هدف مشخص.

جانمایه هنر خاصه هنر ایرانی  
اسلامی، تفکر انگیزی و معناگرایی  
است و می توان گفت که هیچ  
هنری در این حوزه عاری از معنا  
نیست حتی اگر بطور مستقیم اثر  
هنری معناگرا نباشد. اما محققا  
در لایه های درونی، پیوندی  
ناگسستی با سرچشمه معرفت  
دارد چرا که جمال بالذات خود  
از جنس معنویات است و این  
اصل هنر است که روح انسان  
را به سوی تعالی سوق می دهد و  
هنری معناگرا و فکورانه را ابداع  
می نماید و خوشنویسی که سرآمد  
هنرهای معناگرا است در نهایت  
کمال خود آیات کریمه الهی  
را به زیباترین جمال ممکن در  
عالم هستی خلق می کند و روح  
و روان آدمی را صیقل می دهد و  
آرامش می بخشد.



## خلاقیت هنری در دین

دین از یک سو منبعی پایان ناپذیر  
برای خلاقیت هنری و از سوی  
دیگر عاملی موثر جهت تبدیل  
نوآوری های هنری به سبک های  
تثبیت شده از طریق سنت هاست.  
این مساله در اشیا و فرایندهای  
متفاوتی تجلی یافته است. در نقطه  
مقابل، هنر نوگرا از نگاه دین در  
معرض سوءظن قرار دارد. این تنش  
و بی اعتمادی را تکامل مستمر،  
منطق درونی هنر پدید می آورد.  
زیرا چنین روندی تکامل خود  
را در قالب صورت به نمایش  
می گذارد و هنر با ادعای برعهده  
داشتن کارکرد نجات بخشی،